

هفتمین همایش ملی بنیاد علمی قانون یار

همایش پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

بنیاد علمی قانون یار - آموزش و پرورش استان کرمانشاه - واحد پژوهش سپاه پاسداران (با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رازی، دانشگاه آزاد، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه پیام نور کرمانشاه، دانشگاه علمی و کاربردی، جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه، دانشگاه صنعتی کرمانشاه، بنیاد شهید و سازمان ارشاد و

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در پایگاه های ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۸ اسفندماه ۱۴۰۳ شماره مقاله: ۲۲۸/۴۵۷۲ رده بندی کنگره: ب ۵۳۶/۸۸۰

تحلیل هرمنوتیکی و تأویلی عبارت «لن ترانی» از دیدگاه ده شاعر

مریم مبارکی

دانشجوی رشته ادبیات و زبان فارسی دکتری واحد سنج

آغاماه حیدری^۱

دانشجوی رشته ادبیات و زبان فارسی دکتری واحد سنج

چکیده

عبارت «لن ترانی» براساس قواعد صرف و نحو، نفی ابدی را می رساند. معنای کنایی آن، سخن طعنه آمیز و ناخوشایند است. ماهیت و محتوای آن بر ما معلوم نیست جز تأویلاتی چند که از عرفا به ما رسیده است. طبق تأویل های متعددی که از شاعران مورد نظر که در مباحث فقهی و عرفی تبخّر دارند، به عمل آمده است، هر یک از آنان نسبت به موقعیت های زمانی، مکانی، اجتماعی و سیاسی تأویل هایی از این عبارت قرآنی ایراد فرموده اند. بُعد اصلی تأویل بستگی به علم هرمنوتیک دارد. اشلاير ماخر که پدر این علم است هرمنوتیک را پایه همه تفسیرها و تأویل ها و شامل دیدگاه شخصی فرد می داند. نگارنده با روش توصیفی تحلیلی به بررسی ابیات مشخصی از ده شاعر (مولوی، حافظ، سعدی، نظامی، خواجه کرمانی، صائب تبریزی، علامه طباطبایی، محتشم کاشانی، عرفی شیرازی، بیدل دهلوی) می پردازد. یافته های نگارنده نشان می دهد که با استفاده از علم هرمنوتیک که قوی ترین دانش تأویل و تفسیر است، شاعران مذکور سه دیدگاه متفاوت عاشقانه، عارفانه و عاقلانه به این عبارت داشته اند. برآیند پژوهش این است که در «رَبِّ أَنْظُرْ إِلَيْكَ» یک نوع انانیت نهفته است و علت آن نرسیدن به فنای فی الله است، بدین جهت خداوند در جواب به حضرت موسی «لن ترانی» فرموده است. دیگر اینکه اگر خداوند سیمای زیبای خود را به موسی و دیگر بندگان نمایان می نمود دیگر شوقی برای لقائه و تزکیه نفس و دیگر امور معنوی نمی ماند زیرا هدف عارف دیدار حق است که به آن نائل آمده است.

واژگان کلیدی: لن ترانی، تحلیل، تأویل، هرمنوتیک.



مقدمه

با تعمق در قدمت و ساختار واژگان می‌توان دریافت که الفاظ و جملات در گذر زمان در هر عصری معنای خاص می‌یابند و این تاریخ است که ماهیت کلمه را معنا می‌کند. در مرحله بعد نحوه کاربرد آن یعنی تأویل‌ها و تعبیر هستند که مفهوم واژه را تعیین می‌کند. در تلفظ عامّه می‌شنویم «لن ترانی بار کسی کردن» یعنی: حرف زشت و ناراحت کننده به زبان آوردن و طعنه زدن به او. «لن ترانی» مجازاً به معنای خودستایی است (غیاث) ولی معنی علمی و تحت الفظی آن همان «هرگز مرا نخواهی دید» است. تفاسیر و استنباطات مختلف شاعران و نویسندگان از واژه «لن ترانی» باز می‌گردد به بحث هرمنوتیک که از نظر متخصصین حاذق بررسی می‌شود. نگارنده از زوایای مختلف شیوه‌های فکری و انعکاس اندیشه‌های والای این عارفان را تبیین می‌دارد. اشلاير ماخر فیلسوف آلمانی یک نظام فکری منسجم ساخت و توانست به هرمنوتیک عام که اصول آن پایه همه انواع تفسیر متون است دست یابد. ویلهلم دیلتای (۱۸۳۳-۱۹۱۱) نیز هرمنوتیک را پایه همه علوم دانست و معتقد بود که برای فهم علوم انسانی باید به عقل نه به معنای ناب آن بلکه از دیدگاه روند تاریخی آن توجه کنیم. به دیگر سخن، عقل و تجربه و زندگی نیز تاریخی دارند که می‌تواند مفهوم ساز باشد. می‌توان با دقت در خود و به دیگر سخن تفسیر خود به آن دست یافت. اما توجه به زندگی به دست نمی‌آید مگر از راه توجه به تجلی‌های آن که در واقعیت‌های عینی پدیدار می‌شود. مارتین هایدگر و هانس گادامر نیز هرمنوتیک را «پدیدار شناسی» و یا راه «دستیابی به فهمیدن بر پایه جلوه‌های عینی» داشته‌اند. از دیدگاه آنها هرمنوتیک فرآیندی روشنگر از روند و شیوه فهم آدمی بر پایه پدیدار شناسی است. (فضیلت، ۱۷۲: ۱۴۰۱) پس با توجه به این مستندات ادراک حسی با تعمق و تفکر در جلوه‌های عینی و پدیداری آنها حاصل می‌شود. البته هر عارفی با تکیه بر عنصر معرفت پای در این وادی مهیج و انسان‌ساز می‌نهد.

نگارنده برای تبیین این مسئله نخست به علم شهود و رویت تمسک می‌جوید و با تمسک به اصول شهود عبارت «لن ترانی» را تحلیل و بررسی می‌کند. توانایی پی بردن به مسائل غریزی بدون نیاز به استدلال آگاهانه را شهود می‌گویند. برخی از فیلسوفان معتقدند که علم شهود تنها به وسیله عقل امکان پذیر است و جمعی دیگر عقیده دارند علم شهود از طریق نفس انسان امکان پذیر است زیرا نفس ما را به یقین می‌رساند و نوعی معرفت و آگاهی نسبت به مسائل پیرامون تلقی می‌شود.



۱-۱. پرسش های تحقیق

۱- دیدگاه شاعران مورد نظر به عبارت «لن ترانی» چیست؟

۲- چرا خداوند به موسی جواب «لن ترانی» داد؟

۱-۲. پیشنه تحقیق

در تحلیل عبارت «لن ترانی» بر اساس اصول علم شهود و رویت مقالات، رسالات و کتب بسیاری نوشته شده است که همگی در جایگاه خود ارج و قدر معنوی بسیار والای دارند و طالبان علم پیوسته به آن مراجعه می کنند و بر پایه آن پژوهش های خود را تکمیل می کنند. پروین نبیان در این موضوع مقاله ای با عنوان «رویت حق از دیدگاه عرفان اسلامی و مقایسه آن با برخی دیدگاه های کلامی و تفسیری مشهور» را به نگارش در آورده است. ایشان دیدگاه های عرفای اسلامی را در علم شهود را به طور مفصل تشریح کرده اند و با نظرات بزرگان علم کلام به قیاس گذاشته اند و اصول و پایه های این علم را به تفصیل بیان کرده اند. همچنین سبدرضا اسحاق نیا و حسین زحمتکش نیز در مقاله ای با عنوان «شرح واقعه «لن ترانی» در اندیشه عرفا» به طور کامل به شرح و تفسیر این عبارت پرداخته اند. محمد جواد نجفی و نرگس بهشتی هم در مقاله «تطور نظریه اشاعره در باره رویت خدا» نظرات و اعتقادات اشعریان در این مورد بررسی و تشریح کرده اند. شهاب الدین وحیدی مهرجردی و مریم خاتمی نیز در مقاله ای با عنوان «حدیث رویت» رویت حق را در دیگر ادیان نیز به رشته قلم کشیده و دیدگاه های مسیحیان و یهودیان را نیز در این موضوع بیان کرده اند.

بحث و بررسی

بر اساس گفتار بزرگان علم هرمنوتیک، برداشت و استنباط شخصی ما از متن یا واژه است یا دستیابی به واقعیت های عینی و قابل فهم از راه کشف و ملاحظه است. نگارنده این سطور با تکیه به معیارها و اصول علم شهود امکان رویت حق را بر اساس عبارت «لن ترانی» تحلیل کرده است. در نزد اهل عرفان، شهود



به معنی امور غیبی است و در اصطلاح مکاشفه و شهود همان دیدار حق است که تنها با چشم دل و بعد از تزکیه نفس و طاهر شدن باطن امکان پذیر است.

برای تفهیم و تصریح عبارت «لن ترانی» نخست از نظر علم هرمنوتیک بررسی می‌شود. «از آنچه در اندیشه اشالیر مآخراست، یکی زبان شناسی است که از فرایند فهمیدن به دست می‌آید. فهمیدن در نظر اشالیر مآخرا، کنشی است که می‌توان آن را با سخن گفتن که در واقع همان معرفت به زبان و تسلط بر گفتار به دست می‌آورد. اشالیر مآخرا برآن بود که برای هر انسانی مایه‌ای زبانی فراهم شده‌است. این مایه بنیادین با فراگیری یک زبان در لحظه خاص از تاریخ آن زبان به واسطه درونی کردن قواعد دستوری آن واقعیت پیدا می‌کند. از نظر دانستن دستور زبان، همان دانستن زبان است و انسان‌ها شایستگی زبان شناختی خود را در کنش گفتاری نشان می‌دهند اشالیر مآخرا میان فهمیدن و تبیین چندان فرقی نمی‌بیند و به طور ضمنی می‌پذیرد که فن فهمیدن، فن تفسیر نیز هست. (فضیلت، ۱۴۰۱: ۱۳۸۵) وی اذعان می‌دارد که نویسنده خالق دوم اثر است که با استنباط خود از متن تفسیرهایی از خود استخراج می‌کند. این تفسیر یا تأویل‌ها بستگی به شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و زمانی دارد که فضای نوع برداشت ما را تشکیل می‌دهد. مکتب هرمنوتیک در پی آن است که متن را به شیوه‌های متعدد تفسیر کند.

طبق احادیث و آیات رؤیت شده نگارنده براین باور است که حضرت موسی چون لذت صدای خداوند را چشیده بود طمع در دیدار حق تعالی کرد و از طرفی بنی اسرائیل برای تصدیق نبوت او از وی نشانه‌های لا یعقل می‌خواستند. پس ناچار زبان به «رَبِّ اَرْنِی اَنْظُرَ اَلیک» گشود و چون در «اَرْنِی» یک «ی» نکره یا همان «انانیت» نهفته‌است خدا را از خود دور دیده و غافل از اینکه خدایی که در دل و جان او جای دارد چه نیاز به دیدن اوست. ولی آیا خدایی که با موسی با کلام عادی تکلم کرد چه رازی بود که چهره خود را به او نمایان ننمود. مولانا در دفتر اول مثنوی در داستان «ادب کردن شیر گرگ را» و آوردن ابیاتی از آن بحث ما را تکمیل می‌کند.

آن یکی آمد در یاری بزد گفت یارش کیستی ای معتمد

گفت: من، گفتش برو هنگام نیست بر چنین خوانی مقام خام نیست



تا تویی تو هنوز از تو نرفت
سوختن باید تو را در نار سخت

خام را جز آتش هجر و فراق
کی پزد کی وا رهند از نفاق

رفت آن مسکین و سالی در سفر
در فراق دوست سوزید از شرر

پخته گشت آن سوخته پس بازگشت
باز گرد خانه انباز گشت

حلقه زد بر در به صد ترس و ادب
تا بنجهد بی ادب لفظی ز لب

بانگ زد یارش که بر در کیست آن
گفت بر در هم تویی ای دلستان

گفت اکنون چون منی ای من در آ
نیست گنجایی دو من را در سرا

(مولوی، جلال الدین، ۱۴۴۰: ۱۳۹۵)

این داستان مولانا شرح و تفسیر آیه مورد نظر است که چون یار به معشوقه بیان کرده که منم، یار از دیدار با او ممانعت می کند و به او می گوید چون هنوز خامی تا هنگامی که انانیت از تو ساقط نشود و با من یکی نشوی دیدار امکان پذیر نیست. مشابه این داستان حکایتی است که جاحظ در «کتاب الحيوان» بیان کرده است.

خدا را باید باچشم جان دید نه با چشم سر، یا به قول هاتف اصفهانی:

چشم دل باز کن تا جان بینی
آنچه نادیدنی است آن بینی

و در تذکره الاولیاء عطار نیشابوری می فرماید:

محبت درست نشود مگر میان دو کس
که یکی دیگری را بگوید ای من

(عطار، شیخ فریدالدین) (۱۳۹۵: ۱۹۵)



از ابیات فوق نتیجه می‌گیریم عاشق باید در معشوق غرق شود و خود را جزئی از معشوق بداند. تا احساس نیاز به دیدار معشوق را در خود نکند و خود را پاره‌ای از او بداند. بر اساس این تفاسیر و تعبیر موسی خواست من باشد و به حق بنگرد اما در قیاس با کلام مولانا موسی تا زمانی که من است هرگز خدا را نمی‌بیند. البته وقتی به فناء فی الله برسد در می‌یابد که خدا در درون او و همراه اوست و درخواست او از خدا برای دیدار او یک نوع منیت بوده که دیگر از بیان آن نادم است.

تفاسیری که از عارفان متعدد در دسترس داریم همدیگر را نقض می‌کنند به عنوان مثال: «این آیه «لن ترانی» از آیاتی است که به خوبی گواهی می‌دهد: به هیچ وجه خدا را نمی‌توان دید زیرا کلمه «لن» طبق مشهور در میان ادباء برای نفی ادبی است. بنابراین جمله «لن ترانی» مفهومی چنین می‌شود: نه در این جهان و نه در جهان دیگر مرا نخواهی دید. دلایل عقلی نیز، ما را به همین حقیقت رهنمون می‌دارد زیرا رؤیت مخصوص اجسام و جامدات است، بنا براین اگر در روایات اسلامی یا آیات قرآن تعبیر «لقای پروردگار» آمده است به منظور همان مشاهده با چشم دل و دیده خرد است زیرا قرینه عقلی و نقلی بهترین شاهد برای این موضوع می‌باشد» (شیرازی، مکارم، ۱۳۸۸: ۴۲۸) اکثر عرفا و مفسران در شرح مسئله رویت حق به تفسیر آیه ۱۴۲ سوره اعراف استناد کرده‌اند و رویت خدا را با چشم سر انکار کرده و به ادراک حسی و باطنی یقین دارند.

در ادبیات اسطوره‌ای و اعتقادات روزگار کهن رویت ظاهری خداوند را انکار کرده‌اند از جمله فردوسی در آغاز شاهنامه در فصل اول اندر ستایش پیغمبر می‌گوید:

به بینندگان آفریننده را نبینی مرنجان دو بیننده را

(حمیدیان، ۱۳۹۳: ۲۳)

فردوسی با یک بیت مفهوم سلسله بحث‌ها را مختصر کرده است و اختلاف نظرهای فلاسفه را با یک بیت خاتمه داده است. و با اطمینان می‌گوید به دیدگانت زحمت جستجو را نده خداوند باریتعالی قابل رویت نیست. علاوه بر آثار ادبی، خداوند خود در آیات قرآن به وضوح این مسئله را تبیین کرده است «لا تُدْرِكُهُ الْاَبْصَارَ وَهُوَ يُدْرِكُ الْاَبْصَارَ وَهُوَ الْاَلِیْفُ الْخَبِرُ» چشم‌ها خدا را نمی‌بیند اما خداوند چشم‌ها را می‌بیند.



لطافت و ظرافت این آیه این است که خداوند حقیقت بینایی که همان ادراک است را می بیند و چون خدا ادراک را می بیند ما هم ادراک داریم پس ادراک ما الهی است.

در این جا به دیدگاه های فلاسفه بزرگ می پردازیم و برداشت آنان را بررسی می کنیم. شیرازی استنباطات خود را در این زمینه اینگونه بیان می دارد. «دلایل عقلی گواهی می دهد که خداوند هرگز با چشم دیده نخواهد شد زیرا چشم تنها اجسام را یا صحیح تر بعضی از کیفیات آنها را می بیند و چیزی که جسم نیست و کیفیت جسم هم نمی باشد هرگز با چشم مشاهده نخواهد شد. به تعبیر دیگر، اگر چیزی با چشم دیده شود حتماً باید دارای مکان و جهت و ماده باشد، در حالی که او برتر از همه اینهاست» (شیرازی، ناصر، ۴۷۱: ۱۳۸۸) در دو تأویل فوق از علامه ناصر مکارم شیرازی چنین بر می آید که خدا در دو جهان قابل رؤیت نمی باشد ولی علامه طباطبایی تأویلش خلاف ناصر مکارم شیرازی اذعان می دارد که خدا در آخرت قابل رؤیت می باشد و تنها در این جهان نمی توانیم او را مشاهده کنیم. «نفی ابدی در جمله «لن ترانی» راجع به دنیا خواهد بود، و معنایش این می شود: مادامی که انسان در قید حیات دنیوی و به حکم اجبار سرگرم اداره جسم و تن خویش و برآوردن حوائج ضروری آن است هرگز به چنین تشریفی مشرف نمی شود، تا آن که بطور کلی و به تمام معنای کلمه از بدنش خارج و از توابع بدنش منقطع گردد (یعنی بمیرد) و تو ای موسی هرگز توانایی دیدن من و علم ضروری مرا در دنیا نداری، مگر Sدرخواست می کنی نسبت به من خواهی یافت.» (طباطبایی، محمد حسین ۳۱: ۱۳۸۸) با این تعبیر می توان دریافت که در جهان آخرت به رؤیت خدا نائل می شویم.

مولوی که سرسلسله تمامی فلاسفه است بسیار ماهرانه به تحلیل این آیه می پردازد و می گوید:

ارنی کسی بگوید که تورا ندیده باشد تو که با منی همیشه چه تری چه لن ترانی

مولانا با نظری تخصصی بیان می دارد که کسانی باید پیشنهاد حضور و رؤیت خدا را کنند که از او دورند و از فیض وجود او محرومند و کسی که طبق آیات او: من از رگ گردن به شما نزدیک ترم نباید تقاضای دیدار او را کنند چون بین عاشق و معشوق فاصله ای وجود ندارد تا او طلب دیدار یار کند.



طبق گفته‌های عرفای اسلامی چنین می‌توان گفت که عرفا و فلاسفه رویت به چشم ظاهر و حتی عقلی را محال دانسته‌اند. رویت قلبی را که نتیجه سلامت قوای درونی و باطنی انسانهاست جایز دانسته‌اند آیات قرآن هم به رویت حق یا درخواست رویت حق از طرف انبیا دلالت دارد به همین رویت و شهود قلبی در سوره اعراف تمسک جسته‌اند. معنا و حقیقت رویت قلبی و مراتب آن و چگونگی رسیدن به آن را با تکیه بر مبانی اسلامی رویت قلبی وقتی حصول می‌شود که مظهریت حضرت حق حاصل شود. نگارنده با تکیه بر نظرات عرفا و فلاسفه دیدگاه شاعران مورد نظر را به سه نوع دیدگاه تقسیم کرده‌است

دیدگاه عارفانه: مولوی، خواجوی کرمانی، علامه طباطبایی

دیدگاه عاشقانه: حافظ، محتشم کاشانی، نظامی، صائب تبریزی

دیدگاه عاقلانه: سعدی، عرفی شیرازی، بیدل دهلوی

۱- دیدگاه عاقلانه

۱-۱- دیدگاه عاقلانه: هر بحث و گفتگویی که بر اساس عقل و استدلال‌ات عرفی و علمی صورت بگیرد دیدگاه عقلی نامیده می‌شود که شخص از تبخّر خود بهره می‌گیرد و با بیان منطق و دلیل برای مجهول خود جوابی عقلی اتخاذ می‌کند که ما در این مقاله این نوع برداشت‌ها و تأویلات عقلی را در اشعار شاعرانی چون: سعدی، عرفی شیرازی و بیدل دهلوی بررسی کرده‌ایم.

«چو رسی به کوه سینارنی مگو و بگذر که نیرزداین تمنا به جواب لن ترانی

موسی طور عشقم در وادی تجلی مجروح لن ترانی چون خود هزار دارم

تو بدین جمال زیبایت اگر محشر آیی ارنی نگوید آن کس که نگفت لن ترانی

«داغ فرمان برجبین خیال او(موسی)نهداند و از «لن ترانی» مسیحی ساخته بر اطلاق اشراق افزوده.

(فروغی، محمد علی. ۹۹۴: ۱۳۷۷)





«خداوندی که چون نامش بخوانی نیابی در جوابش لن ترانی»

(نظامی، ۸۰: ۱۳۷۸)

«نسازد لن ترانی چون کلیم از طورنومیدم نمک پرورده عشقم زبان ناز میدانم

(تبریزی، ۲۴۱: ۱۳۷۳)

«رخ از دریچه معنی نمود آن که به ناز میان حسن و نظر سدلن ترانی بست

(کاشانی، محتشم، ۱۰۰: ۱۳۷۸)

تو از طلب همین یأس و لب مبنده که ناز زبان یک ارنی گو به لن ترانی بست

(همان، ۱۰۰)

طلبی که باز نازی نشکد چه لذت آن را دل شوق گرم دارد ارنی ز لن ترانی»

(همان، ۶۷۶)

شاعرانی که دیدگاهی عاشقانه از این عبارت را دارند تنها به التذاذهای دنیوی و عشق‌های زمینی بسنده می‌کنند. «عشاق دلباخته جهان، یک زندگی سرمستانه و لبریز از مسرت‌های دیرپای روحی و معنوی در خود احساس می‌کنند» (تدین، عطاءالله، ۶۲: ۱۳۷۵)

۳- دیدگاه عارفانه

«ارنی کسی بگوید که تو را ندیده باشد تو که با منی همیشه چه «تری» چه «لن ترانی»

(الحاقی به مولوی)

گویم ارنی و زار گریم ترسم ز جواب لن ترانی پیری شنید و جان به حق داد عطار سخن مگو

(مولوی، ۸۳: ۱۳۸۶)

11



رسیدن به مقامات معنوی در نزد پروردگار نمی ماند زیرا مقامی بالاتر از از لقای حضرت حق وجود ندارد. هر انسانی پس از خرد کردن عنصر انانیت در درون خود ناخواسته به نوعی با پروردگار خویش ارتباط برقرار می کند و این ارتباط از هرنوع (حسی، دیداری، قلبی) باشد برای عاف فرقی ندارد مهم اینست که او خدا را در درون خود حس می کند.

نظریات مشترک همه مفسرین این است که خداوند با چشم بصری در این دنیا قابل امکان نیست حتی رویت حسی در آخرت را نیز نفی می کنند. البته ادراک حسی در صورتی امکان پذیر است که قلب و وجود انسان از ماسوای حق خالی باشد و توسط عشق الهی به مقام فنا برسد. دل او محل انوار صفات و اسماء خداوند گردد و به تعبیری به مقام انسان کامل رسیده باشد در این حالت بر مبنای وحدت وجود به وحدت شهود دست می یابد و لایق دیدار حضرت حق است.



منابع و مأخذ

- ۱- کرمانی، خواجهی (۱۳۷۴) دیوان اشعار خواجهی کرمانی. به اهتمام و تصحیح: احمد سهیلی خوانساری. چاپ سوم. تهران: چاپ مروی
- ۲- کاشانی، محتشم (۱۳۷۸) دیوان اشعار محتشم کاشانی. به تصحیح و حواشی: فیض کاشانی. تهران: چاپ حوزه هنری
- ۳- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۳) ز مهر افروخته. گرد آورنده: تهرانی، سید علی، چاپ ششم
- ۴- قهرمان، محمد. گزیده اشعار تبریزی، صائب (۱۳۷۲) مجموعه رنگین گل، تهران: انتشارات سخن
- ۵- دهلوی، عبدل القادر بیدل (۱۳۷۶) کلیات بیدل. به تصحیح اکبر بهداروند و پرویز عباس داکانی - جلد دوم. انتشارات الهام چاپ اول
- ۶- دستگردی، وحید (۱۳۷۸) کلیات حکیم نظامی گنجوی. جلد اول، چاپ اول، تهران: بهزاد
- ۷- مولوی، جلال الدین (۱۳۸۶) دیوان کبیر. جلد اول توضیحات توفیق. تهران: سبحانی
- ۸- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸) تفسیر نمونه، چاپ ۳۷، تهران: چاپخانه مروی، جلد پنجم
- ۹- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸) تفسیر نمونه، چاپ ۳۷، تهران: چاپخانه مروی، جلد ششم ۱۳۸۸
- ۱۰- تدین، عطاءالله (۱۳۷۵) مولانا و طوفان شمس، چاپ دوم چاپخانه دیبا
- ۱۱- فروغی، محمد علی (۱۳۷۷) کلیات سعدی تهران: زوار
- ۱۲- شیرازی، عرفی (۱۳۶۹) دیوان اشعار، به اهتمام و تصحیح جواهری (وجدی) چاپ سوم، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی



- ۱۳- نبیان، پروین (۱۳۸۵) «رویت حق تعالی از دیدگاه عرفان اسلامی و مقایسه آن با برخی دیدگاه‌های کلامی و تفسیری مشهور» مجله ادبیات تطبیقی، سال دوم
- ۱۴- ذاکری، مصطفی (۱۳۸۵) «مسأله رویت خدا در تفاسیر قرآن و حدیث طبق نظر اشاعره و معتزله» مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال سوم، شماره دوم
- ۱۵- حمیدیان، سعید. (۱۳۹۳) شاهنامه فردوسی. تهران: طالایه
- ۱۶- فضیلت، محمود. (۱۴۰۱) اصل و طبقه بندی نقد ادبی، تهران: زوار
- ۱۷- عطار، فریدالدین محمد (۱۳۹۵) تذکره الاولیاء. تهران: سخن

لوگو سازمان ها و نهادهای علمی، سیاسی و دولتی حامی معنوی هفتمین همایش ملی بیژوهتر های علمی علوم اسلامی و انسان در عصر نویسن

اکانت ایتا و ایمیل رسمی همایش جهت ارسال مقاله
Ghanonyar@YAHOO.COM ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

۱۴۰۳/۱۲/۰۸
دانشگاه رازی- سالن همایش دانشکده علوم اجتماعی

جهت همکاری در برگزاری همایش با دبیر اجرایی تماس بگیرید:
خانم دکتر شهلا رضایی ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵